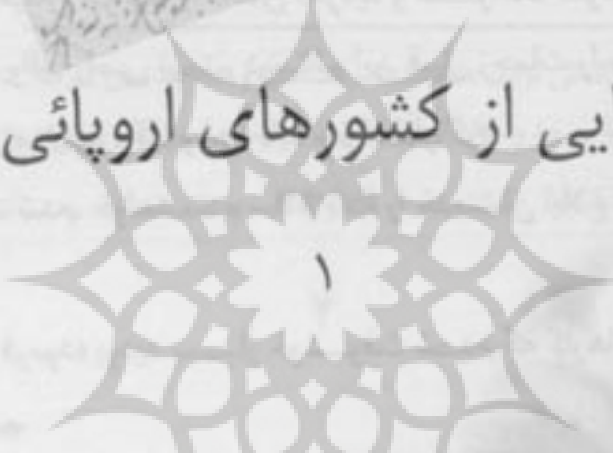


نامه‌های دکتر محسن صبا

به ایرج افشار



الف - نامه‌هایی از کشورهای اروپائی به تهران*



۱۸ فروردین ۱۳۳۲

دوست مهربانم، الان نامه‌ای در خصوص کارهای کتابخانه به آقای دانش پژوه^۱ خواهم نوشت و آنچه لازم به تذکر باشد در آنجا متذکر می‌شوم. اگرچه با وجود آقایان می‌دانم که بهیچوجه تذکری در هیچ باب لازم نیست.

دو مطلب اساسی اعتبارات لوازم کتابخانه است که باید از شما بگذرد و دیگر اعتباری است که قرار بود در وجه آقای صفدری^۲ باز شود که هنوز به ایشان نرسیده.

کار خرید کتاب در اینجا به شرط داشتن پول بسیار آسان است. در خصوص میکروفیلم و وسائل لازم آن چند روز متوالی است در کتابخانه مشغول مطالعه هستم و حقیقتاً از آنچه در این خصوص فراهم شده است و در اینجا استفاده می‌کنند تعجب کردم. باری این هم فصلی است که باید بطور تفصیل با هم در تهران صحبت کنیم.

انتشارات «انجمن دوستداران کتاب» در یونسکو بسیار جلب توجه کرده. آقای دکتر رعدی^۳ نماینده ایران در یونسکو عضویت را قبول کرده و یک دوره از کتابهای انجمن را در یونسکو به نمایش گذارده‌اند.

جنابعالی با لطفی که دارید قطعاً مطابق برنامه‌ای که در حضورتان تنظیم شده به کارهای انجمن رسیدگی می‌فرمائید. استدعا می‌کنم چنانچه توضیحی لازم بود مرقوم فرمائید بنده هر نکته لازم را توضیح خواهم داد.

به خانم متین (دفتردار ماشین‌نویس اداره دبیرخانه شورای عالی بانک) سپرده‌ام که آنچه لازم دارید از گنجینه اطلاق بنده بردارید. گذشته از کار انجمن استدعا می‌کنم به خانم بنده تلفنی بفرمائید (شماره حذف شد) و چنانچه از جنابعالی استدعائی داشتند خواهش می‌کنم در انجام آن بر بنده منت بگذارید. خانم بنده معمولاً روزهای یکشنبه و جمعه و بعد از ظهرها از ساعت پنج به بعد در منزل است.

چنانچه آقای جمشید بزرگمهر^۴ را ملاقات می‌فرمائید خواهش می‌کنم سلام بنده را به ایشان ابلاغ فرمائید.

به بنده با دو آدرس که در پشت این صفحه است می‌توان نامه نوشت. چنانچه بنده را از جریان امور دانشکده و انجمن مطلع فرمائید نهایت تشکر حاصل خواهد بود.

- * درین زمان دکتر محسن صبا برای بازدید کتابخانه‌های مهم اروپا با بورس یونسکو به فرانسه و بلژیک و هلند مسافرت کرده بود.
- ۱- معاون وقت کتابخانه دانشکده حقوق.
 - ۲- محمد صفدری رئیس وقت دفتر دانشکده حقوق. که در آن وقت برای دریافت درجه دکتری حقوق در فرانسه بود.
 - ۳- دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی شاعر نامور.
 - ۴- از همدوره‌های دانشکده حقوق و برادر خانم دکتر صبا و منوچهر بزرگمهر که فرزندان دکتر یوسف بزرگمهر بودند. جمشید از مشوقان ورزش در ایران و ایجادکننده کلوب ورزشی شاهنشاهی سابق بود.

پنج‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۳۲

دوست گرامی، نامه پر از محبت جنابعالی رسید و از این که ایام خوشی در شیراز گذرانده‌اید بسیار خوشوقت شدم و همچنین خوشحال شدم که با خواب بعد از ظهر روز حرکت بنده زحمت آمدن به میدان هواپیما را تحمل نکردید و استراحت نمودید. اگرچه این امر شاید بر خلاف میل شما شده ولی کاملاً مطابق میل و سلیقه بنده در آمده. چه واقعاً راضی نیستم دوستانم این قبیل زحمات را متحمل شوند. آن قدر زحمات دیگر برای ابراز لطف و محبت بنده رجوع می‌کنم که از این قبیل ابراز محبت‌ها واقعاً و حقاً باید صرف نظر کرد.

از سلامت حال آقای دانش‌پژوه خوشوقت شدم. خواهشمندم سلام بنده را خدمتشان ابلاغ فرمائید و همچنین دوستان دیگر دانشکده و آقایان استادان را مخصوصاً به عرض سلام مصدعم.

از اینکه بطور تفصیل راجع به انجمن مرقوم فرموده بودید بسیار خوشوقت شدم که کارها روبه‌راه است و جریان خود را دارد. ان شاء الله بنده بتوانم وقتی جبران این زحمات جنابعالی را بنمایم.

خدمت آقای سعید نفیسی خواهشمندم عرض ارادت صمیمی بنده را ابلاغ فرمائید. دیروز در کتابفروشی H. Samuelian بودم و او از ایشان احوالپرسی می‌کرد.

خواهشمندم به همین ترتیب که راجع به انجمن ابراز لطف فرموده‌اید، این مدتی را که بنده نیستم امور را تحت نظر خود بگیرید و دستور انجام آنها را بدهید.

نیز می‌خواستم از جنابعالی درخواست یک زحمت دیگر بکنم. خواهشمندم ده جلد از *Bibliographie* بنده^۱ در سه یا چهار بسته - زیرا نباید بسته‌ها از سه کیلو تجاوز کند - به آدرس فعلی بنده (حذف شد) ارسال فرمائید. از کتابهای بیبلیوگرافی در اطاق بانک بنده موجود هست و کاغذ بسته‌بندی و نخ و مقوا برای گذاردن اطراف کتابها همان جا هست. فقط خواهشمندم کتابها را سفارشی نفرستید، با پست عادی ارسال فرمائید. خانم متین در بانک ممکن است بسته‌بندی را انجام دهد.

باز از اقدامات جنابعالی راجع به انجمن تشکر می‌کنم.

از ابراز مرحمت جنابعالی نسبت به خانم و اینکه تلفن فرموده بودید بی اندازه متشکر شدم. ضمناً خواهشمندم چنانچه مبلغی معتنی به معنی در حدود دویست یا سیصد تومان از وصولی‌های انجمن را دریافت فرمودید لطفاً به ایشان بدهید که مبدا ایشان از حیث پول در زحمت باشند. خواهشمندم عرض ارادت صمیمی بنده را بپذیرید.

دکتر صبا

۱- مراد کتابشناسی کتابهای فرانسوی درباره ایران است که رساله دکتری ایشان در مدرسه شارتر فرانسه بود و نخست در پاریس چاپ شد (۱۹۳۶) و چاپ دوم آن در تهران (۱۵۹۱).

دوست گرامی، نامه جنابعالی چند روز قبل در پاریس زیارت شد و چون بنده می‌خواستم وسائل حرکت را به بروکسل تهیه کنم جواب آن قدری به تأخیر افتاد و از این حیث معذرت می‌طلبم.

از قرار دادن آثار انجمن در جشن هزاره ابن‌سینا^۱ بسیار خوشوقت شدم. نمی‌دانم کتابفروشی ابن‌سینا از فروش کتابها راضی است یا خیر؟ از اینکه از اخبار دانشکده بنده را هم در نامه قبلی و هم در نامه اخیرتان مطلع ساخته‌اید بسیار ممنون شدم. کارهای انجمن را که انجام فرموده بودید بسیار مایه تشکر بنده گردید و امیدوارم بنده هم بتوانم وقتی جبران زحمات جنابعالی را بنمایم. باز بنده از لطف سرشار شما می‌خواهم استفاده کنم و تقاضا نمایم ده نسخه دیگر از بیلوگرافی به آدرس سابق بنده (حذف شد) بفرستید. و یک دوره کامل از آثار انجمن را به آدرس [کتابفروشی ساموئلیان] (حذف شد) ارسال فرمائید. این دو مطلب را به خانم نیز نوشته بوده‌ام و شاید تا به حال به جنابعالی گفته باشند. خواهشمندم عرض سلام بنده را به همکاران دانشکده لطفاً ابلاغ فرمائید.

تصدق شما - دکتر صبا

از آقای کمالیان^۲ بنده خواسته بودم که نسخه‌های مناجات خواجه عبدالله انصاری را که در کتابخانه سلطنتی موجود می‌باشد عکس‌برداری فرمایند. نامه‌ای هم به ایشان نوشته‌ام که بلاجواب مانده. اگر اطلاعی کسب فرمائید به بنده خبر دهید بسیار ممنون می‌شوم. ببینم چه اقدامی فرموده‌اند.

۱- غرفه‌ای از انتشارات انجمن دوستداران کتاب در آن کنگره بین‌المللی ترتیب داده شد تا ایرانشناسان و اسلام‌شناسان شرکت کننده از چاپهای ممتاز ایران آگاهی بیابند.

۲- جواد کمالیان هم‌دوره تحصیلی دکتر صبا در مدرسه علوم سیاسی بود و موقع این نامه‌نگاری با هانری کریین کار می‌کرد و مدیر کتابخانه انجمن ایرانشناسی فرانسه بود.

دوست مهربانم، مرقومه جنابعالی زیارت شد و از نهایت لطف شما بسیار ممنونم. اگر پانزده روزی تفاوت بین تاریخ نامه جنابعالی و پاسخ آن می‌شود دلیلش این است که کاغذ شما را بنده به مناسبت تغییر آدرسهای متوالی قدری دیرتر از معمول دریافت نمودم.

راجع به ارسال کتاب بیلوگرافی توضیحی خواسته بودید. عرض می‌کنم سفارشی یا غیر سفارشی تفاوتی نخواهد داشت. دریافت بسته‌ای غیر سفارشی اینجا بسیار آسان‌تر است. چون بسته‌های سفارشی را پستخانه موظف است به دست کسی که نام او روی بسته نوشته شده برساند و رسید دریافت دارد. اما بنده به صاحبخانه پاریس خود سپرده‌ام که اگر بسته‌ای به نام من رسید دریافت دارد و رسید بدهد. به هر صورت اگر به پستخانه تهران مختصر اطمینانی باشد بهتر است بسته‌ها غیر سفارشی فرستاده شود، ولی اگر اطمینانی نیست لطفاً سفارشی ارسال فرمائید، و چون یک‌ماه دیگر بنده در پاریس خواهم بود می‌توانم خودم آنها را دریافت دارم.

از اقدامات حضرتعالی راجع به انجمن بسیار ممنونم و بنده در اینجا روز به روز بیشتر معتقد می‌شوم که کاری را که داریم انجام می‌دهیم بسیار مفید است و امید من این است که با تفضل الهی و مساعدت دوستان بشود واقعاً خدمتی که در خور ادبیات وسیع ما باشد انجام داده شود.

خواهشمندم سلام بنده را خدمت آقایان استادان دانشکده و خانمهای کارمند کتابخانه^۱ و آقای دکتر عمید^۲ و آقای دانش‌پژوه برسانید.

از مراجع عالی...^۳ ممنونم.

آقایان سعید نفیسی و دکتر شفق را اگر ملاقات فرمودید سلام بنده را برسانید.

تصدق شما - دکتر صبا

۱- مراد قدرت‌الزمان شیبانی خواهر خانم دکتر سید علی شایگان، مهین‌بانو بزرگمهر خواهر خانم دکتر صبا و همسر بعدی دکتر عیسی سیهیدی، خانم بنی سلیمانی همسر بعدی دکتر

قاسم قاسم‌زاده است و خانم ملاح که امور اداری کتابخانه را عهده‌دار بودند و هر چهار کارآمد و دلسوز.

۲- دکتر موسی عمید، رئیس دانشکده حقوق.

۳- یک کلمه ناخوانا.

دوست مهربانم، نامه مورخ ۱۶ خرداد شما را در پاریس زیارت کردم. دیروز بنده از استکهلم به پاریس آمدم که کارهای اینجا را هم تمام کنم و ان شاء الله چند هفته دیگر به طرف تهران حرکت نمایم.

از اقداماتی که راجع به انجمن فرموده‌اید بی‌اندازه سپاسگزارم. امید دارم بنده به محض ورود به تهران بتوانم برنامه کارها را شروع کنم و آنچه چاپ شدنی است تحویل چاپخانه بدهم که هر چه زودتر منتشر گردد.

همچنین از اقدام جنابعالی راجع به کتاب بیلیوگرافی ممنونم. بیست نسخه‌ای که به پاریس ارسال داشته بودید تمام رسیده، لابد سه نسخه بریل^۱ خواهد رسید. باید بنده آدرس بریل را به دست بیاورم و بهای کتابها را که هر کدام ۱۵۰۰ فرانک فرانسه است برای او بنویسم.

انتشار سال نو فرهنگ ایران زمین را به جنابعالی تبریک می‌گویم. امیدوارم نشریه با دوامی شود و ان شاء الله یکی از اسناد معتبر فرهنگ ایران زمین خواهد شد.

خواهشمندم سلام بنده را خدمت دوستان، آقایان استادان، آقای دانش‌پژوه و خانمهای همکار کتابخانه ابلاغ فرمائید و ان شاء الله بزودی خدمت آقایان شرفیاب خواهم شد و عرض سلام و ارادت حضوری خواهم کرد.

تصدق شما - دکتر صبا

۱- E. J. Brill کتابفروشی و ناشر مشهور در شهر لیدن (هلند).

۶

۳۰ تیر ماه ۱۳۳۵

آقای ایرج افشار، دوست مهربانم، نامه جنابعالی زیارت شد^۱ و از اینکه فرصت نموده‌اید که از زحمات طاقت‌فرسای طول سال اندکی دور شده استراحت نمائید بسیار خوشوقت شدم. امیدوارم تا پایان تعطیلات روزهای شما به خوشی بگذرد.

در خصوص بورس کتابداری^۲، بنده شخصاً برای ملاقات آقای دکتر کسائی^۳ رفتم ولی متأسفانه در وزارتخانه نبود. کارتی نوشتم. باز از ایشان خواهش نمودم که نام جنابعالی را در جزء گزارش درج نمایند. ضمناً به آقای اردلان^۴ تلفن کردم و ایشان گفتند موضوع در جلسه یونسکو و وزارت فرهنگ مورد مذاکره است و ظاهراً آقای یزدانفر^۵ اصرار دارند که از وزارت فرهنگ اشخاصی فرستاده شوند. بنده برای آقای اردلان گفتم که دانشگاه از وزارت فرهنگ مجزی نیست. به هر صورت قرار است اقدام بکنند. بنده تصور می‌کنم چنانچه با خود آقای اردلان وارد مکاتبه شوید بد نباشد. آقای دکتر عمید را هنوز زیارت نکردم، روز دوشنبه به ایشان تلفن خواهم کرد و از ایشان تقاضا خواهم نمود که درباره جنابعالی اقدام بنمایند.

خواهشمند است عرض ارادت بنده را خدمت خانمتان ابلاغ فرمائید. خانم بنده و همچنین خانم آقای دکتر سپهبدی^۶ از مراجع عالی سپاسگزارند و سلام می‌رسانند.

تصدق شما - دکتر صبا

۱- این نامه را از تهران به گچسار (آبادی کوشک) فرستاده بودم.

۲- در آن سال به منظور استفاده از بورس یونسکو برای کتابداری نام‌نویسی کرده بودم و می‌بایست مقدمات کار انجام گیرد و چون یک‌نفر را می‌پذیرفتند بیم آن بود که از درج کلام ساقط شوم.

۳- دکتر جلال کسائی رئیس اداره تعلیمات عالی بود در وزارت فرهنگ.

۴- فریدون اردلان رئیس دفتر کمیسیون ملی یونسکو که بعدها دبیر آنجا بود.

۵- محمد یزدانفر معاون وزارت فرهنگ.

۶- مراد مهین‌بانو بزرگمهر خانم دکتر عیسی سپهبدی است.

ب _ نامه‌های تهران به پاریس و دیگر شهرهای اروپا

۷

۱۵ بهمن ۱۳۳۵ _ ۴ فوریه

دوست گرامی، نامه جنابعالی رسید و بسیار مایه خوشوقتی شد که بحمدالله به سلامت رسیده‌اید و به کارهای خود پرداخته‌اید. نوشته بودید خانم راواژ^۱ کسالت دارند ان شاءالله تا به حال بهبود حاصل کرده‌اند و به یونسکو می‌آیند. خواهش می‌کنم عرض سلام و ارادت بنده را خدمتشان ابلاغ نمائید. نمی‌دانم زمستان امسال در فرانسه سخت است یا خیر؟ دیشب چهاردهمین برف امسال آمد! هنوز هم مشغول باریدن است. ان شاءالله وقتی هوا بهتر شد و دوره دروس شما در پاریس خاتمه یافت چند جاست که باید حتماً دیدار کنید. یکی کتابخانه شهر Liège در بلژیک است که از نظر ساختمان جدید آن و وسائل تازه‌ای که برای محافظت کتابها (از قبیل درهای آهنی خودکار و غیره) تهیه دیده‌اند قابل مطالعه است. دیگر کتابخانه Berne^۲ که به نظر بنده اگر تهران بخواهد کتابخانه ملی داشته باشد باید شبیه آن و به همان اندازه در این جا ساخته شود. از خانم راواژ معرفی نامه‌ای بگیرید که کتابخانه‌های پاریس نظیر کتابخانه ملی و کتابخانه دانشکده پزشکی و غیره را دیدن کنید. امید بنده به این است که جنابعالی پس از بازگشت به تهران برای پیشرفت کتابخانه‌های ایران اقداماتی مؤثرتر از آنچه تا به حال نموده‌اید بفرمائید. ایجاد کتابخانه‌های مجهز یکی از اهم اقداماتی است که برای پیشرفت پایه و اساس فرهنگ و تمدن جدید در ایران لازم و ضروری است.

دو روز به مناسبت پانزدهم بهمن دانشگاه تعطیل است. فردا نامه شما را به آقای دانش پژوه خواهم رساند. مراحم جنابعالی به خانم ابلاغ گردید و ایشان محبت‌های شما را به برادران و خواهران خود خواهند رساند. از اینکه تقاضاهای بنده فراموش نشده است متشکرم.

برای سهولت کار جنابعالی عرض می‌کنم که کاغذ برای پاک کردن عینک در کافه‌هایی که سیگار می‌فروشند یافت می‌شود.

کتاب بایگانی^۳ در این روزها خیلی مورد نیاز بنده است. حالا که به کتابفروشی‌های سن میشل و سن ژرمن آشنا شده‌اید ممکن است از همانها سؤال بفرمائید شاید داشته باشند و اگر نداشته باشند شما را به غیر از کتابفروشی دونو به محل دیگری راهنمایی کنند. از مراحم جنابعالی همیشه ممنون بوده و هستم.

تصدق شما - دکتر صبا

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- نخستین نامه‌ای است که پس از رفتن به پاریس برای کارآموزی کتابداری جدید از ایشان دریافت کرده‌ام.

۲- Ravage، رئیس بخش کتابداری در یونسکو.

۳- پای تخت سویس، مراد کتابخانه ملی آن مملکت است که به راهنمایی ایشان رفتم و چند روز در آن جا مشغول بودم.

۴- به مناسبت تدریس این رشته احتیاج داشت. کتابی هم که در آن موضوع تألیف می‌کرد که انتشارات دانشگاه تهران چاپ کرد و نخستین تألیف فارسی در آن موضوع بود.

۸

۲۶ بهمن ۱۳۳۵ _ ۱۵ فوریه

دوست گرامی، یکی دو نامه از جنابعالی رسیده است که بی جواب مانده. بنده هم بواسطه تهیه درس دانشکده ادبیات^۱ مجبور هستم مطالب تازه‌ای یادداشت کنم. امتحانات انتخاب دانشجویی نیز ضمیمه کارها شده و وقت حسابی باقی نمی‌ماند. به هر حال از لطف جنابعالی که بنده را بدون خبر از وضع خود نگذاشته‌اید بی اندازه ممنونم. نمی‌دانم بالاخره با خانم Ravage ملاقاتی دست داد یا خیر؟ به هر صورت سلام فراوان بنده را به ایشان

برسانید. این راهپوش پختی و پستی را با ناپوش روزه‌ها هم...

از آقای دکتر رعدی بنده بدون خبر مانده‌ام. فقط شما در کاغذهای خودتان راجع به ملاقاتی که از ایشان نموده‌اید نوشته بودید. متأسفانه موقعی که ایشان به تهران تشریف آوردند زیارت ایشان دست نداد.

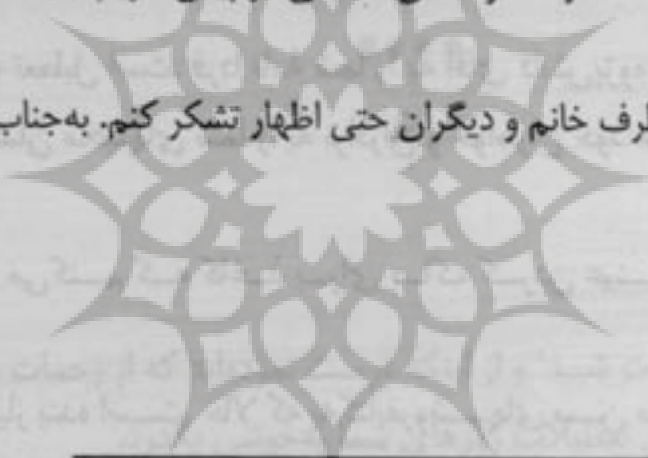
نامه‌ای که اخیراً از کمیسیون ملی یونسکو (یعنی دو روز پیش) رسید و صورت کتابهای ترجمه شده به فارسی را در ظرف همین دو روز خواسته بودند که تهیه شود و برای درج در فهرست ترجمه‌ها به پاریس ارسال گردد! ملاحظه می‌فرمائید. باری نمی‌دانم در این خصوص با آقای مقربی صحبتی داشته‌اید یا از روی کتابشناسی سال گذشته که لابد خدمتان هست می‌شود صورتی تهیه کرد. در این خصوص با آقای دکتر رعدی خواهش می‌کنم صحبت کنید. تهیه این صورتها کار یک روز یا دو روز نیست و مخصوصاً با این وسائیل کار در ایران هیچ نمی‌شود صورتی به تفصیل تهیه کرد. عرض سلام بنده را به ایشان ابلاغ بفرمائید و بگوئید ان شاءالله با برگشتن خودتان به ایران سر و صورتی به این کارها داده خواهد شد.^۱

جنابعالی حالا ملاحظه می‌فرمائید که کوشش بنده درباره کتابخانه و امر مربوط [به] کتاب و مبارزه‌ای که با اشخاصی که هر خرجی را برای کتابخانه زائد می‌شمرند چه اندازه بوده. الحمدلله تا حدی توفیق حاصل شده است. بایستی پیشرفت خیلی بیش از اینها باشد اما بنده مدتی در ایران دست تنها بودم و به هر کس می‌گفتم آقا کتابخانه این نیست که ما داریم خیال می‌کردند می‌خواهم از این راه برای عده‌ای پست بدون دلیل درست کنم.^۲

ملاحظه می‌فرمائید که در کار کتاب و کتابخانه چه اشخاصی کار می‌کنند و چه کار می‌کنند! بنده برای اینکه در ایران نگویند پول مفت می‌گیرد! کتابخانه که کار نشد! مجبور بوده‌ام همیشه مانند دیگر آقایان و استادان دانشگاه کار کنم. درس علیحده داشته باشم و این کار کتابخانه‌ها را هم اضافه انجام دهم. دلیلش این است که هنوز در این شهر تهران - یک میلیون و پانصد هزار نفر جمعیتی که تقریباً ثلث جمعیت پاریس می‌شود، یک صدم پاریس - مردمش توجه به کتاب و کتابخانه ندارند. کوشش عظیمی در پیش داریم. بایستی این کارها را بدون اینکه به حرف این و آن گوش داد انجام داد.

به هر صورت کاغذ نیز پر شد و نتوانستم از طرف خانم و دیگران حتی اظهار تشکر کنم. به جناب آقای دکتر رعدی و خانم ایشان عرض سلام دارم.

تصدق شما - دکتر صبا



۱- درس بایگانی.

۲- موضوع از این قرار است که یونسکو مفید دانسته بود هر ساله فهرستی از کتابهایی که در کشورهای مختلف از زبان بیگانه ترجمه و چاپ می‌شود منتشر کند و اجرای این کار را به پیشنهاد دکتر صبا کمیسیون ملی یونسکو از من خواسته بود. چون کتابشناسی ایران را تهیه می‌کردم اسامی کتابهای ترجمه شده را چند سال برای یونسکو تهیه می‌کردم و در نشریه مخصوص که Index Translationum نام داشت چاپ می‌شد. در سال ۱۳۳۵ چون در ایران نبودم آن کار را از دوست عزیزم مصطفی مقربی خواسته بودم. دکتر صبا هم برین کار اشراف علمی داشت. چند سال آن فهرستها را آماده کردم و در مجموعه‌های سنواتی آن به چاپ رسید و به خاطر می‌آورم که به مرسوم اروپایی ذکر نام گردآورنده در آن می‌شد.

۳- دکتر صبا مؤسس کتابخانه بانک ملی ایران بود (۱۳۱۷) و از سال ۱۳۳۳ رئیس کتابخانه دانشکده حقوق شده بود و این خدمت را تا حوالی سال ۱۳۴۰ ادامه داد. تاریخ‌نگاران کتابخانه‌ها باید به دقائق مندرج در این نامه توجه کنند که چه مراتبهایی امثال دکتر محسن صبا و دیگران متحمل شده‌اند و چه گونه می‌اندیشیده‌اند و چه گونه بی‌مهری نسبت به کتابخانه‌ها سنت اداری مملکت بوده است. کتابداران کنونی به هیچ روی نمی‌توانند وضع چنان روزگاری را دریابند و کوششهایی را که در راه رسیدن به حال بهتر کتابداری انجام شده است (حدود سال ۱۳۲۵ و تأسیس گروه کتابداری در دانشگاه تهران) بشناسند. امیدوارم فرصتی باشد که جریان تغییرات را بنویسم زیرا آنچه کم و بیش می‌نویسند چندان به حقیقت نزدیک نیست. دکتر منوچهر افضل بهتر از هر کس می‌تواند شاهد عرائض من باشد.

دوست عزیزم، نامه‌های جنابعالی در این اواخر بی‌جواب ماند، همچنین نیز نتوانستم با وصول نخستین کاغذ عینک از لطفی که به بنده نموده بودید تشکر کنم. به هر حال باید عرض کنم که علاوه بر کاغذ عینک اول یک بسته دیگر خانم دکتر سپهبدی از طرف شما به من لطف کرد و مجموعاً دو بسته تا به حال به من رسیده است که از ارسال آنها خیلی تشکر می‌کنم.

همچنین بسته کتاب بایگانی با دوائی که برای خانم فرستاده بودید رسید و بی‌اندازه موجب امتنان گردید. مخصوصاً خانم خیلی از لطف شما ممنون شدند.

دو بسته کتاب لاروس کوچکی بود که بایستی به آقای آل رسول^۱ برسد، چنانکه ملاحظه می‌فرمائید رسید آن ضمیمه است. بنده چون نمی‌دانستم بهای کتاب بایگانی و دوائی که ارسال داشته‌اید چه قدر می‌شود عجاله مبلغ دو هزار فرانک به آدرس شما ارسال داشته‌ام. خواهشمندم حساب بنده را نگاه دارید، چون درخواستهای بنده یکی دو تا نخواهد بود و تصور می‌کنم تا جنابعالی در اروپا تشریف دارید بنده هم هر مرتبه که کاغذی می‌نویسم مزاحم شوم. به هر حال تا جنابعالی در پاریس هستید از حیث تأمین بعضی از نیازمندیها خیال بنده راحت است. از خانم راواژ کاغذی داشتم که بواسطه اشتغال زیاد نتوانستم جواب بنویسم. نمی‌دانم درباره اندکس ترانسلاسیونم چه کردید و آیا امکان دارد از روی فهرست خودتان^۲ چیزی برای یونسکو تهیه بفرمائید یا خیر. بنده با پیدا کردن این درس بایگانی در دانشکده ادبیات و اجبار تهیه مواد آن کارم خیلی زیاد شده و می‌دانید که باید درس آمار دوره دکتری را هم فراهم کنم. خلاصه این که هر هفته باید در حدود بیست برگ ماشینی مطلب تهیه کنم و این خود کاری است که وقتی به کارهای دیگر بنده افزوده می‌شود سنگین می‌گردد.

خواهشمندم از اوضاع خود بنده را با خبر بگذارید.

تصدق شما - دکتر صبا



۱- عبدالحسین آل رسول مدیر انتشارات نیل.

۲- درباره آن توضیح نوشتم.

۳- اشتغال عمده روزانه ایشان در بانک ملی ایران بود. در آنجا سمت ریاست دفتر شورای عالی بانک با ایشان بود.

۱۰

بی تاریخ (لابد اسفند ۱۳۳۵)

دوست گرامی، عید نوروز را به شما تبریک می‌گویم و امیدوارم سال نو را به سلامت و خوشی بگذرانید. خانم بنده نیز خدمت شما با عرض تشکر و تبریک می‌گویند.

نوشته بودید در اوائل ماه مه از پاریس خارج خواهید شد. به نظر بنده بعد از برگشت از ولایات فرانسه بهتر است با یونسکو صحبت بفرمائید و قراری بگذارید که به سویس و بلژیک و شاید تا کشورهای اسکانندیناوی و انگلستان سفری بکنید. چون حالا که فرمول کتابخانه‌های اروپا به دست جنابعالی آمده است خوب و به سرعت می‌توانید از کتابخانه‌های دیگر استفاده کنید و سازمان آنها را به تندی ببینید. کتاب موش و گربه^۱ از چاپ خارج شده است. یک نسخه با پست زمینی برای جنابعالی فرستاده خواهد شد. خانم راواژ به بنده نوشته بودند از یونسکو خارج خواهد شد، اگر ایشان را دیدید سلام بنده را برسانید و آدرس جدید ایشان را برای من بگیرید، خیلی متشکر خواهم شد.

آیا خانم شما هنوز در تهران تشریف دارند یا به پاریس آمده‌اند. خدمت ایشان عرض تبریک و سلام دارم.

تصدق شما - دکتر صبا

۱- از انتشارات انجمن دوستداران کتاب با نقاشیهای محمود جوادی پور.

دوست مهربانم، جواب آخرین مکتوب شما قدری به تأخیر افتاد. علت آن دید و بازدیدهای عید نوروز بود که چنانکه می‌دانید وقت می‌گیرد. ضمناً مکاتیب تبریک را نیز باید جواب گفت و سال به سال رسم فرستادن کارت و نامه بیشتر می‌شود. به هر حال رسم بنده این است که کاغذها را زود جواب بدهم و امیدم این است که دیگر در پاسخ نامه‌های محبت‌آمیز جنابعالی تأخیر روی ندهد.

در برنامه مسافرت‌های خود که شرح داده بودید ذکر می‌کنم از هلند ننموده بودید. به نظر بنده ذیدن این مملکت که می‌دانید در خصوص چاپ، تاریخ بسیار درخشانی دارد ارزشمند است^۱ و همان‌طور که می‌دانید بسیاری از کتب فارسی در آنجا به چاپ رسیده. کتابخانه‌های هلند بسیار مشهور است و به نظر من خیلی مناسب است که از آن کشور بازدید بشود.

صحبت از هلند شد، در شهر Delft هلند که نزدیک لاهه می‌باشد کتابخانه زیبایی است که به تماشای آن رفتم و ضمناً کارهای چینی مخصوص این شهر را نیز دیدم. یک نوع چینی مخصوص در آن شهر می‌سازند و به اغلب نقاط دنیا (متأسفانه بجز ایران) می‌فرستند. در پاریس در مغازه‌های بزرگ بن مارش^۲ فراوان است. خیلی میل داشتم قیمت یک بشقاب بزرگ آن را سؤال بفرمائید و در یکی از کاغذهای خود برای بنده بنویسید.^۳

اگر تصمیم به رفتن هلند گرفتید باید در حدود ماه‌های مه و ژوئن باشد که هم روز آنجا بلند است و هم هوا آفتابی‌تر می‌باشد. به نظر بنده خوب است در شهر La Haye اقامت کنید. بنده در این منزلی که آدرس آن را می‌دهم منزل داشتم (حذف شد). و شاید باعث تعجب شما بشود که عرض کنم تمام مخارج بنده در این خانه که بسیار خوب و غذای آن بسیار مطلوب بود فقط یک ششم مهمانخانه‌های لاهه بود یعنی ۵ فلرن معادل ۱۰ تومان خودمان!

به هر صورت دیدن هلند به نظر بنده بسیار لازم است مخصوصاً در فصل گل آن که یک‌ماه دیگر می‌باشد.

به جای عکس‌های فردوسی و سعدی^۴ یک نسخه از کتاب موش و گربه که اخیراً از چاپ درآمد است با پست هوایی برای جنابعالی فرستادم. البته در معرفی آن خواهید فرمود که کتاب برای کودکان است.

از قرار معلوم خانم راواژ از یونسکو رفته‌اند. بنده هم موفق نشده‌ام که به ایشان کاغذی بنویسم. شاید آدرس جدید ایشان را شما داشته باشید. دوائی را که برای بنده فرستاده بودید عبارت است از Pyodarsenol - gelée - Inava چنانچه یک لوله دیگر برای بنده بفرستید بسیار ممنون خواهم شد.

نمی‌دانم خانم شما تشریف آورده‌اند یا خیر. به هر صورت بدین وسیله خدمت ایشان سلام عرض می‌کنم.

تصدق شما - دکتر صبا

۱- اصل: ارز است.

۲- Bon Marché.

۳- یکی از تفنن‌های ایشان جمع‌آوری بشقاب چینی ممتاز بود.

۴- از انتشارات انجمن دوستداران کتاب.

دوست گرامی، نامه اخیر که روی کارت زیبایی نوشته بودید زیارت گردید و از سلامت حال شما و این که گردش تحقیقاتی خود را تعقیب می‌فرمائید بسیار خوشوقت شدم. از قرار معلوم باید گردش به جنوب فرانسه این روزها پایان پذیرفته باشد. در نامه خود ذکر می‌کنم از وصول موش و گربه عبید زاکانی نفرموده بودید. یک نسخه برای شما فرستاده بودم و آدرس آن همان یونسکو بوده. ولی چون با پست سفارشی فرستاده‌ام لابد خواسته‌اند امضائی در کار باشد. اگر وصول شده است مرقوم فرمائید و اگر نرسیده لطفاً بفرمائید نسخه دیگری برای جنابعالی بفرستم.

این کتاب را بنده بجای چند تصویر رنگی که خواسته بودید فرستادم و تصور می‌کنم بهتر بتواند منظور شما را که معرفی چاپ در ایران باشد عملی سازد.

استدعا می‌کنم بنده را از جریان مسافرت خود بی‌اطلاع نگذارید. سلام‌های شما را به خانم و برادرشان ابلاغ کردم. همگی حضور جنابعالی عرض سلام دارند. بنده باز یک لوله Pyodarsenol - gelée - Inava از شما خواسته بودم. امیدم این است با گذار به پاریس آن را برای بنده بفرستید.

تصدق شما - دکتر صبا

۱۳

تهران ۲۶ تیر ۱۳۳۶

دوست گرامی، نامه مورخ هفدهم تیر جنابعالی چند روز قبل رسید و بعد از آن هم دو لوله دواوی ایناوا که لطفاً برای خانم بنده ارسال نموده بودید واصل گردید و موجب تشکر ایشان شد. از این زحمتی که به جنابعالی داده‌ام بی‌نهایت معذرت می‌طلبم.

لابد حالا در سوئیس مشغول ادامه کار خود هستید و بعد دو باره به پاریس بر می‌گردید.

در موضوع مطالبی که در نامه خود ذکر نموده بودید و یکی از آنها باعث تأخیر پاسخ بنده شد و آن مذاکره با آقای دکتر یارشاطر بوده اطلاعاً عرض می‌کنم.

۱. با آقای دکتر یارشاطر درباره کتابشناسی ایران گفتگو کردم. نظر بنده این است که کتابشناسی ایران به قطع سری اول^۱ انتشارات آنها باشد. این موضوع را آقای دکتر قبول کردند و همچنین نوع کاغذ که قرار شد مانند سایر انتشارات بنگاه باشد.^۲ همچنین قرار شد نمونه‌ها را برای شما بفرستند که فرصت تهیه فهرستهای ذیل کتابشناسی را داشته باشید.

۲. مقالات جنابعالی را که به صورت نامه به مجله سخن فرستاده بودید خوانده‌ام. البته بسیار مفید است و چنانچه از این قبیل یادداشتها باز در دوره مسافرت خود تهیه نمایید برای کسانی که مایل به دانستن اوضاع کتابخانه‌های اروپا هستند قابل استفاده می‌باشد.

درباره فهرست فهرستهای کتب خطی نمی‌دانم متن آن به چه زبانی تهیه شده، ولی حالا که در اروپا تشریف دارید اگر قرار چاپ آن را همان جا بگذارید بسیار کم زحمت‌تر خواهد شد. چون در آنجا حقیقه تصحیحی در بین نیست و زحمت فوق‌العاده تصحیح از گردن شما ساقط خواهد شد.^۳ خواهش می‌کنم عرض سلام مرا خدمت خانم ابلاغ فرمائید.

بنده همان طور که وظیفه داشتم سلام شما را به خانم و آقایان بزرگمهرها^۴ رساندم و همگی بسیار اظهار خوشوقتی کردند. خانم مهین بانو با آقای دکتر سپهبدی^۵ دو روز قبل به لندن حرکت کردند و تصور می‌کنم برای یک ماه دیگر به پاریس سری بزنند.

بار دیگر از ارسال دوا تشکر می‌کنم و امیدوارم ایام را به خوشی بگذرانید.

تصدق شما - دکتر صبا

۱- یعنی قطع رقمی.

۲- بعدها تصمیم مشترک بر آن شد که چون انجمن کتاب تاسیس شده است بهتر است این انجمن ناشر آن باشد.

۳- مقصود کتابشناسی فهرستهای نسخه‌های خطی فارسی است که به سفارش سازمان یونسکو تهیه و در انتشارات دانشگاه تهران چاپ شد و دکتر محسن صبا موجب واقعی پیشنهاد این کار به یونسکو بود.

۴- منوچهر و جمشید.

۵- عیسی سپهبدی.

دوست گرامی، چند نامه جنابعالی برای من فرستاده‌اید که به مناسبت تغییر محل اقامت خودتان از شهری به شهر دیگر الزاماً بلا جواب ماند. مخصوصاً که در یکی دو نامه آدرس فرستنده تعیین نشده بود و چون من فکر می‌کردم که به مناسبت تغییرهای محل بی در پی مخصوصاً از ذکر آدرس خودداری می‌نمائید بنده از ارسال پاسخ تا تعیین محل قطعی خودداری کردم.

باری از لطف جنابعالی که همیشه به یاد بنده بوده‌اید بسیار متشکرم. سلام‌های جنابعالی را به آقایان بزرگمهرها ابلاغ کرده‌ام و خانم بنده هم از لطف شما بسیار متشکر و ممنون هستند. نامه‌ای را که توسط خانمتان ارسال داشته بودید به بنده رسید. بنده هیچ اقدامی از آن بابت صلاح ندیدم بکنم، چه به محض اینکه بنده دهان باز کنم که خوب است ایشان تدریس این مواد را بکنند و عدم میل بنده را به تدریس آقایان احساس کنند فوراً یک نفر را تعیین می‌کنند. بنده ترجیح دادم که خودتان در تهران باشید تا این موضوع را به میان بگذارم. چون گمان می‌کنم مدتی هم به پایان دوره اقامت شما در اروپا نمانده است. خوب است تاریخ ورود خودتان را به تهران برای بنده بنویسید.^۱

بنده هم چنانکه می‌دانید شاید سه چهار روزی به پاریس بیایم. گرفتاریهای تهران اجازه اقامت بیشتر آنجا را نمی‌دهد. با اظهار تشکر از مراجع همیشگی شما.

دکتر صبا

۱- تمایل خود را به تدریس مباحث نوین کتابداری به ایشان نوشته بودم تا در دانشکده ادبیات تدریس شود و در آنجا سابقه داشت. پس از این که به ایران آمدم ایشان با دانشسرای عالی که آن وقت جزء دانشگاه تهران بود صحبت کرد که این درس در آنجا گفته شود و مورد قبول قرار گرفت.

تهران - ۶ شهریور ۱۳۳۹

۲۸ اوت ۱۹۶۰

قربانت گردم! نامه جنابعالی رسید و از اینکه موفق به دیدار کتابخانه‌های فنلاند و سوئد و دیگر کشورهای شمالی اروپا شده‌اید بسیار خوشوقت شدم. نمی‌دانم در سوئد از کتابخانه شهر اوپسالا دیدار کرده‌اید یا خیر؟ به هر حال اگر نکرده‌اید ان شاء الله برای بار دیگر مسافرت شما به اروپا. در خصوص کار شما در دانشکده متأسفانه این روزها هیچ نمی‌شود با آقای دکتر عمید صحبت کرد. دلیل آن هم پر واضح است، انتخابات تهران و جریان آن تمام وقت ایشان را گرفته. ان شاء الله به موقع خود گفتگو خواهیم کرد. کار دانشسرای عالی شما بسیار مایه خوشوقتی بنده شد. امیدوارم کاملاً موفق شوید.^۲

نمی‌دانم که اطلاع دارید که آقای اسفندیار بزرگمهر (برادر بزرگ آقای جمشید بزرگمهر) در ژنو هستند، لابد آشنائی با ایشان دارید و اگر ندارید آدرس ایشان این است (حذف شد). اگر تمایل داشته باشید با ایشان آشنا شوید بسیار خوب است.^۳ خانم بنده حضور شما سلام می‌رسانند. خواهشمند است عرض ارادت خاص بنده را به آقای جمال زاده ابلاغ فرمائید.

تصدیق شما - دکتر صبا

۱- این نامه را به اروپا نوشت. در آن وقت به خدمت استاد ابراهیم پورداود و دکتر محمد معین سفر اروپا پیش آمد تا برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی شرق شناسان به مسکو برویم. چون مدتی پیش از مرخصی اکتسابی وقت لازم بود از دکتر صبا استدعا کرده بودم که موافقت دانشکده حقوق را بخواهد. مرحوم دکتر عمید اصولاً با سفرهای کارمندان خود روی موافقی نداشت و به مناسبت همین پیشامدها من ناچار خود را از کتابخانه حقوق به دانشسرای عالی منتقل کردم و مدیریت کتابخانه آنجا بر عهده‌ام گذاشته شد.

۲- به لطف ایشان تدریس مسائل کتابداری جدید از سال ۱۳۳۸ بر عهده من قرار گرفت و مرحوم دکتر خانابا بیانی با محبت خاص پیشنهاد دکتر صبا را پذیرفتند.
۳- ایشان را از دورانی که رئیس اداره تبلیغات شده بود به مناسبت دوستی با جمشید می‌شناختم. به دیدنش رفتم. در آن ایام چون مطرود شده بود ناچار رستوران چلوکباب در ژنو ایجاد کرده بود. ایشان خاطرات زندگی خود را به نام «کاروان عمر» در اروپا چاپ کرده است (لندن ۱۳۷۲).

ج - نامه از امریکا به تهران

۱۶

[هتل کمودور - واشنگتن] جمعه ششم مهرماه ۱۳۴۱

دوست گرامی، چهار روز قبل از حرکت از تهران بنده به قصد خداحافظی به کتابخانه ملی^۱ تلفن کردم ولی جنابعالی تشریف نداشتید. پس از آقای انوار^۲ استدعا کردم مشخصات کتابهایی را که از آنها عکس برداری شد برای بنده بفرستند. فردای آن روز که روز پنجشنبه‌ای بود بنده به اندازه‌ای در بانک گرفتار شدم که واقعاً فرصت پیش نیامد و حتی از آقای انوار هم نتوانستم مطالبه مشخصات کتابها را بکنم. روز جمعه هم می‌دانستم همیشه به گردش اطراف تشریف می‌برید و صبح شنبه هواپیما خیلی زود حرکت می‌کرد یعنی بنده و خانم چهار بعد از نصف شب برای حرکت بیدار شدیم و بنده به خود اجازه ندادم که در آن ساعت تلفن کنم. باری لطف شما همیشه طوری شامل حال بنده بوده است که در این موقع هم ابراز التفات فرمودید و بوسیله ارسال نامه حقیقه بنده را خرسند ساختید.

از پیشرفت کارهای کتابخانه ملی بسیار خوشحال شدم و یقین دارم با بودن جنابعالی در آنجا کتابخانه به سرعت لازم ترقی خواهد کرد. در تهران مکرر در مکرر بنده گوشزد کرده بودم که کتابخانه کنگره روش اعشاری^۳ را اعمال نمی‌کند. ولی آنهایی که به آنجا مسافرت کرده بودند و به قول خودشان در کتابخانه هم کار کرده بودند در مغز چند نفر از زعمای قوم! این مطلب غلط را فرو کرده‌اند که به هیچ صورت هم نمی‌توان از ذهن آنها خارج کرد. کتابخانه کنگره همان روش اروپائی را دارد ولی متأسفانه چون اجرای آن به دست کتابدارانی است که «روش» سرشان نمی‌شود در برگه‌ها، در برگه‌دانه‌ها اشتباهات فراوان دیده می‌شود. به هر صورت شما که کتابخانه‌های اروپا را دیده‌اید ان شاءالله اینجا هم تشریف خواهید آورد و وضع اینجا و اروپا را مقایسه خواهید کرد!

درباره کتابخانه ملی بدون تردید همان روش کتابخانه دانشکده حقوق را استفاده فرمائید. منتهی البته باید قسمتهای مختلف مانند قسمت نقشه، قسمت تصاویر، قسمت مسکوکات، قسمت مخطوطات، قسمت ایرانشناسی^۴ و هر قسمتی که مفید و لازم تشخیص داده شده ایجاد کرد. مطلبی را که می‌خواستم پیشنهاد کنم موضوع ایجاد برگه چاپی برای کتابخانه ملی است. اگر این کار در کتابخانه ملی عملی شود کتابخانه ملی می‌تواند مقدار بیشتری برگه برای هر کتاب چاپ کند و آنها را برای کتابخانه‌های دیگر ایران و یا اشخاص نویسنده بفرستد.^۵

شاید بشود در این زمینه با کتابفروشیها صحبت کرد و آنها را در این زمینه شرکت داد. یا آيا وزارت فرهنگ حاضر است خرج بسیار ناچیز این کار را قبول کند و در بودجه کتابخانه ملی بگنجانند. اگر چنین اقدامی بشود اولاً تمام کتابخانه‌ها برگه‌های لازم را به سرعت دارا خواهند شد، و دیگر اینکه عوض کردن آنها اشکالی ندارد و به سرعت می‌توان کارتهای خراب شده و چرک شده را عوض کرد. ممکن است کتابشناسی ایران و یا مجله راهنمای کتاب این اقدام را بکنند. شاید بتوان نظر کارخانه ریالکو^۶ را در ساختن برگه‌دانه‌های یک اندازه برای کتابخانه‌های مهم ایران جلب کرد. این مسئله به نظر بنده چون در شهرستانها ابتدای کار کتابداری است فوق‌العاده اهمیت دارد و گومک بسیار مؤثری به آنها خواهد بود.

باری تمام کاغذ از مسائل راجع به کتابخانه‌ها شد. امیدوارم حال جنابعالی و خانم و سایر متعلقان خوب باشد. خواهشمندم سلام بنده را به آقای دانش پژوه برسانید. فرصتی بشود باید به ایشان کاغذی بنویسم.

بنده امیدوار هستم حتی الامکان مدت اقامت امریکا را کوتاه کنم. ابتدا قرار بود بنده برای سال تحصیلی (که عبارت از نه ماه هست) به آنجا بیایم و این سال قابل تمدید به دو سال باشد، ولی بنده با اصرار تمام آن را به شش ماه تقلیل دادم. اینک مایلیم این شش ماه هم تقلیل بیابد و شاید زودتر به دیدار دوستان تهران نائل شوم.

نمی‌دانم آقای مینوی در تهران تشریف دارند یا مسافرت هستند. سلام بنده را اگر در تهران هستند به ایشان ابلاغ فرمائید. همچنین دیگر دوستان که واقعاً از دوری آنها شخص محرومیت خاصی احساس می‌کند. امیدوارم بنده را گاهگاه با ارسال نامه‌ای خرسند فرمائید.

تصدیق شما - دکتر صبا

۱- سفری که دکتر صبا به دعوت دولت امریکا برای دیدن کتابخانه‌های آن کشور و تهیه کتابشناسی کتابهای انگلیسی درباره ایران به آنجا رفت.

۲- در آن وقت مدیریت کتابخانه ملی بر عهده‌ام قرار گرفته بود.

۳- دوست دانشمند عزیزم عبدالله انوار که ریاست بخش نسخه‌های خطی را عهده‌دار بود.

۴- منظور روش دیوئی است.

۵- خوشبختانه این بخش را فوراً تشکیل دادم به این معنی که کلیه کتابهای ایرانشناسی السنة مختلف از میان قفسه‌ها جدا و در یک اطاق مخصوص گذاشته شد.

۶- این پیشنهاد ایشان را دو سال بعد که متصدی انتشارات دانشگاه تهران شدم برای کتابهای تازه نشر دانشگاه عملی کردم و به همراه هر نسخه از کتاب یک برگه چاپ شده ضمیمه بود.

۷- این کارخانه میز و صعدلی اداری و قفسه‌های کتابخانه می‌ساخت و بطوری که در خاطر دارم مصطفی فاتح از شرکای آنجا بود و به سفارش ایشان میز تحریری که دارم با تخفیف به من فروخته شد.